



دومین همایش بین المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

آیکونوگرافی تصویر انسان بالدار، گاو بالدار، شیر بالدار و پرنده در نگارگری بر پایه نجوم

حمیده میرفندرسکی

کارشناسی ارشد هنر اسلامی
Mir.hamideh@yahoo.com

1

چکیده

این مقاله به تحلیل نقش انسان بالدار، گاو بالدار، شیر بالدار و پرنده در نگارگری می پردازد؛ تصویری که از کهن ترین دوران تاریخی تا دوران متأخر در سراسر جهان تکرار می شود؛ این نقش از سویی باز نمود چهار صورت فلکی اصلی منطقه البروج یعنی نقاط اعتدالین و انقلابین در 4000 ق.م. است، و در نجوم کهن کاملاً شناخته شده است؛ و از سویی دیگر این نقوش در نگارگری با نام فرشته چهار سر و حاملان عرش خداوند نامیده می شود. پس مسأله تحقیق با تمرکز بر رابطه ی این نقوش در نگارگری با نقوش نجومی طرح گردید. بر این اساس پژوهشگر بر آن شد، تا تأثیر معتقدات نجومی در ارتباط با چهار صورت فلکی اصلی منطقه البروج را به عنوان عالم کبیر بر نگارگری به عنوان یکی از عرصه های تجلی باورها و اعتقادات مردمان در ادوار مختلف به عنوان عالم صغیر بررسی کند. در این پژوهش با روش آیکونوگرافی که برای شناساندن ساختار نمادین این گونه تصاویر امروزه در جهان شناخته شده است، به تحلیل این نقوش می پردازیم. بر این اساس با استناد بر باور راسخ پیشینیان در باب تأثیر عالم کبیر بر عالم صغیر چهار نقش انسان بالدار، شیر بالدار، گاو بالدار و پرنده در نگاره ها نمادهایی از چهار صورت فلکی اصلی منطقه البروج در 4000 ق.م. است.

واژگان کلیدی: نگارگری ، نجوم، آیکونوگرافی



دوین همایش بین المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

مقدمه

در نگارگری که از مهم ترین رشته های هنر اسلامی است، جهان تصویر شده جهانی همراه با چکیده نگاری و نمادپردازی است؛ که بارزترین نمادهای آن نمادهای نجومی^۱ است؛ اما متأسفانه همیشه تفاسیر سطحی از آن ارائه می شود؛ و معانی عمیق این تصاویر بررسی نمی شود. در این پژوهش نقش انسان بالدار، گاو بالدار، شیر بالدار و پرند در دو نگاره از کتاب معراج نامه ی میرحیدر و کتاب عجایب المخلوقات طوسی را بررسی می کنیم؛ این نقوش در کتاب معراج نامه ی میرحیدر به صورت فرشته ای با چهار سر انسان، شیر، گاو و پرند است، که فرشته چهار سر^۲ نامیده می شود؛ این نقوش در کتاب عجایب المخلوقات قزوینی به صورت چهار موجود بالدار است، که حاملان عرش خداوند نامیده می شود. همین نقوش در کتب نجومی نیز به عنوان چهار صورت فلکی^۳ اصلی منطقه البروج^۴ در 4000 ق.م. مشاهده می شود. پس سوال تحقیق با تمرکز بر رابطه ی این نقوش در نگارگری ایران با نقوش نجومی طرح گردید.

مبانی نظری پژوهش حاضر جهان شناسی سنتی انطباق عالم کبیر و عالم صغیر است. «تشابه بین عالم صغیر و عالم کبیر به جهان شناسی اسلامی محدود نیست، بلکه در عقاید یونانیان، مسیحیان، چینیان و هندیان قدیم نیز یافت می شود؛ و عبارت از تمثیلاتی است، که با قدرت و زیبایی خود می تواند روح انسان را به معانی مافوق عالم محسوسات بکشاند؛ بنابراین محدود به جهان شناسی و طبیعیات نیست؛ بلکه قسمتی از علم الهیات را نیز شامل می شود. مفهوم انسان کامل صوفیان، پوروشای^۵ هندوان و وچن جن^۶ چینیها کلیت و عمومیت تشابه بین عالم صغیر و کبیر و اهمیت آن را در علوم گوناگون تمدن های مختلف بخوبی آشکار می سازد» (نصر، 1342). همان طور که بیان کردیم، عالم کبیر در وجود انسان که عالم صغیر است، بصورت اجمال جمع شده است؛ بدین دلیل گفته اند: «الانسان رمز الوجود». برای روشن ساختن انطباق کامل بین انسان و جهان کبیر باید به زندگی اجتماعی و زبان و تمدن و سازمان های دینی و مدنی انسان توجه کرد؛ زیرا هر یک از این شوون و مراتب عالم انسانی بصورتی در عالم کبیر جلوه گر شده است؛ بنابراین در این پژوهش یکی از جنبه های زندگی انسانی، یعنی تمدن، فرهنگ و هنر به عنوان عالم صغیر در نظر گرفته شده است.

براین اساس پژوهشگر بر آن شد، که تبلور معتقدات مربوط به چهار صورت فلکی اصلی منطقه البروج در 4000 ق.م. را به عنوان عالم کبیر که همواره عالم صغیر را تحت تأثیر خود قرار می دهد، در نگارگری ایرانی پیگیری نماید. در این پژوهش با استفاده از روش آیکونوگرافی^۷ در مرحله ی اول این روش مرحله ی پیشا آیکونوگرافی به توصیف نگاره های ایرانی می پردازیم؛ و در مرحله ی دوم یعنی مرحله ی آیکونوگرافی به طبقه بندی نگاره ها و تطبیق آن ها با یکدیگر و تصاویر نجومی می پردازیم.

در پژوهش های دیگر نیز که در این زمینه انجام شده است، این چهار نقش را به داستان حزقیال^۸ نبی نسبت داده اند. ماری رز سگای^۹ در کتابی با عنوان «سفر معجزه آسای پیامبر» جایی که پیامبر در حین معراج با فرشته چهار سر روبرو می شود، در تفسیر این پدیده می نویسد: «این پیکره ی نمادین، تصویر حزقیال نبی را تداعی می کند، که با محبوسان تبعیدی حدود (593 ق.م.) در کنار رودخانه ی شوبر با چهار موجود زنده با صورت انسان، شیر، گاو و فرشته روبرو گردید. این نقوش بیانگر کلیت و نشانه هایی از چهار صورت فلکی اصلی منطقه البروج هستند» (سگای، 1385). مانند این پژوهش در پژوهش های دیگر نیز ارتباط این چهار

1 Astronomy

2 The Tetra-Cephalous Angel

3 Celestial

4 Zodiac

5 Purushna

6 Chen-Jen

7 Iconography

8 Ezekiel

9 Marie-Rose Seagai

دومین همایش بین المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

موجود و چهار نقطه‌ی کاردینالی در منطقه‌البروج بیان شده است. گتینگ^۱ در کتابی با عنوان رازهای منطقه‌البروج می‌نویسد: «نمادهای مرتبط با صورفلکی را می‌توان در میان تزئینات کلیساها و یا کتاب‌آرایی‌ها یافت. یکی از موضوعات نمادین در این رابطه ارتباط هر یک از چهار نویسنده‌ی اناجیل با چهار صورت فلکی کاردینالی^۲ می‌باشد؛ البته چهار صورت فلکی که در هزاره‌ی چهارم تا اواخر هزاره‌ی دوم در نقاط کاردینالی قرار داشتند؛ یعنی گاو، شیر، عقرب و مرد آبریز، شیر نماد سن مارک، گاو نماد سن لوقا، دلو که در این زمان به فرشته تبدیل می‌شود، نماد سن متیو و عقاب که جانشین صورت فلکی عقرب شده است، سن ژان است» (Getting, 1987). گتینگ همچنین هر یک از این چهار موجود را نمادی از چهار مرحله‌ی زندگی مسیح می‌داند؛ انسان نمادی از تولد مسیح، شیر نمادی از مرحله بلوغ وی، گاو نمادی از قربانی شدن او و عقاب نمادی از مرحله‌ی عروج مسیح در آسمان است. همچنین هر کدام از این چهار نماد نماینده یکی از چهار عنصر ثابت ستاره‌شناسی قرون وسطی است. شیر نمادی از آتش، عقرب (عقاب) نمادی از هوا، مرد آبریز نمادی از آب و گاو نمادی از زمین است. گتینگ علت این که در مسیحیت نمادهای فراوانی در ارتباط با صورت‌های فلکی منطقه‌البروج وجود دارد، را به دلیل وجود تقابل میان دین مسیح و آئین مهر در قرون اولیه میلادی می‌داند؛ که سرانجام دین مسیح تفوق می‌یابد (Ibid, 44).

انواع تصویرسازی از این چهار پیکر در سرزمین‌های مسیحی در میان مردم رایج است؛ شمار زیادی از آنها را در نقاشی‌ها و تزئینات کلیساها می‌توان یافت. از دیگر پژوهش‌هایی که در این حوزه انجام شده است، پایان‌نامه‌ای با عنوان: «نمادشناسی صورت‌های فلکی منطقه‌البروج در هنر ایرانی-اسلامی» است؛ در این پژوهش پس از بیان روای حزقیال که بخشی از کتاب عهدعتیق می‌باشد، پژوهشگر می‌نویسد: «با بررسی منطقه‌البروج و نقاط کاردینالی آن در زمان نگارش کتاب مقدس درمی‌یابیم، صورت‌های فلکی گاو، شیر، گژدم (عقاب) و مرد آبریز در این نقاط اصلی، یعنی اعتدالین و انقلابین قرار داشته‌اند؛ که دقیقاً منطبق با چهار صورت فرشته‌های توصیف شده است. بعلاوه چرخ‌های که به همراه این کره‌ی زمین ذکر شده است، می‌تواند نمادی از چرخش فلک با توجه به گردش سالانه این چهار صورت فلکی در آسمان باشد» (کلانتری سرچشمه، 1388).

روش تحقیق

پژوهش حاضر از باب روش پژوهشی تاریخی-تطبیقی است. به نظر احمد محمدپور در کتاب «روش تحقیق کیفی ضدروش»، روش تاریخی-تطبیقی از دسته‌ی روش‌های کیفی است. «این روش کاربرد روش‌های علمی در مسائل تاریخی را نشان می‌دهد؛ تمرکز این روش بر جستجوی عرصه‌ی فرهنگ جهت شناختن تغییرها در بستر تاریخی خاص است؛ این روش کلان‌نگر و ساخت‌گرا است؛ و بر شواهد و اسناد معتبر اتکا دارد» (محمدپور، 1392)؛ معیارهای ارزیابی خاص این تحقیق تاریخی-تطبیقی است؛ و در حوزه‌ی مطالعات کیفی بسیار کاربرد دارد. بنا بر توضیحات این کتاب تحقیق پیش‌رو از لحاظ روش‌شناسی در دو سطح توصیف و تحلیل (تاریخی-تطبیقی) انجام می‌پذیرد؛ چرا که به توصیف تصاویر و متون مرتبط با آن‌ها و در پی آن به تحلیل ارتباط میان این دو دسته تصویر در نجوم و نگارگری می‌پردازد، که به تبع آن رجوع به داده‌های تاریخی نیز حتمی است. از آنجایی که داده‌های مورد نظر از راه بررسی اسنادی، جستجو در مقاله‌ها و سایت‌های معتبر بدست می‌آید، لذا روش یافته‌اندوزی این تحقیق اسنادی است.

پژوهش حاضر به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کیفی (استقرایی) و از لحاظ روش‌شناسی آیکونوگرافی واربرگ-پانوفسکی^۳ سود می‌برد. تحقیق حاضر با رویکرد آیکونوگرافی، به گفته‌ی بارنت در کتاب راهنمای تحقیق و نگارش در هنر به عنوان رویکردی از رویکردهای تحقیق در هنر، مورد استفاده جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها قرار می‌گیرد (بارنت، 1391). چرا که

10 Getting

11 Cardinaly

12 Warburg- Panofsky

دومین همایش بین المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

هدف این تحقیق توصیف و در نهایت تحلیل داده‌های مورد نظر است؛ که دقیقاً در مراحل سه‌گانه‌ی روش‌شناختی پانوفسکی در نظر گرفته شده‌اند؛ این سه مرحله به نام‌های 1- موضوع سوژه‌ی طبیعی یا اولیه که شامل سوژه‌ی واقعی و سوژه‌ی توصیفی می‌شود؛ 2- موضوع سوژه‌ی سنتی یا ثانویه؛ 3- مفهوم یا معنای درونی توسط پانوفسکی در کتابش تحت عنوان مطالعاتی در آیکونولوژی^۱ معرفی می‌شود. که در مرحله‌ی اول توصیف فرمی اثر از لحاظ تمامی خصوصیات فرمی خالص از جمله نوع خطوط، رنگ، محل قرارگیری فرم‌ها و... مدنظر می‌باشد؛ که مرحله‌ی پیشا آیکونوگرافی نامیده می‌شود. تمرکز مرحله دوم بر یافتن رابطه‌ی مابین نقش‌مایه‌های هنری اثر، موضوع‌ها، مفاهیم، داستان‌ها و تمثیل‌های فرهنگی مرتبط است؛ که در آن فرم‌ها به ظهور رسیده‌اند؛ و مرحله آیکونوگرافی نامیده می‌شود. مرحله سوم یافتن روح نمادین بنیادین مستور و نگرش‌های تسلط یافته به صورت ناخودآگاه بر اعتقادات مرتبط هدف غایی است؛ که آیکونولوژی نامیده می‌شود.

یافته‌ها

فرشته‌ی چهار سر در معراج‌نامه‌ی میرحیدر:

در کتاب معراج‌نامه‌ی میرحیدر که سفر معراج پیامبر به آسمان‌ها را روایت می‌کند، پیامبر(ص) در یکی از طبقات آسمان پس از مواجه شدن با فرشته‌ی هفتاد سر و فرشته عظیم با فرشته‌ای با ده هزار بال بر روی سرش روبرو می‌شود؛ که در دریای سیاه ایستاده است.

فرشته به داخل دریا پریده، بیرون می‌آید؛ و بال‌هایش را تکان می‌دهد؛ هر قطره‌ای که از بال‌های او پایین می‌افتد، به واسطه‌ی قدرت خداوند به فرشته‌ای تبدیل می‌شود. در کنار فرشته ده‌هزار بال، فرشته‌ی دیگری با چهار سر ایستاده است؛ یک سر آن مانند سر آدمیان، یک سر مانند سر شیر، سر دیگر مانند عنقا و سر دیگر آن مانند سر گاو است. ماری‌رز سگای در کتاب سفر معجزه‌آسای پیامبر فرشته‌ای با چهار سر را یادآور رویای حزقیال نبی دانسته است؛ و می‌نویسد: «این پیکره‌ی نمادین، تصویر حزقیال نبی را تداعی می‌کند؛ که با محبوسان تبعیدی در بابل حدود 593 ق.م. در کنار رودخانه شوبر با چهار موجود زنده با صورت انسان، شیر، گاو و پرند روبرو شد» (سگای، 1385: 30). در شکل 1 تصویر فرشته چهار سر در معراج‌نامه‌ی میرحیدر دیده می‌شود.



شکل 1: فرشته‌ی چهار سر در معراج‌نامه‌ی میرحیدر (سگای، 1385)

دومین همایش بین المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

توصیف تصویر

- 1- این تصویر صفحه‌ای از کتاب معراج نامه میرحیدر است.
- 2- این تصویر از دو سطح تشکیل شده است.
- 3- در سطح عقب تصویر پس‌زمینه‌ای آبی، پوشیده از ابرهایی طلای رنگ دیده می‌شود. شخصی با لباسی سبز رنگ به تن و عمامه سفیدرنگ بر سر، سوار بر اسبی بالدار با سر انسان، در سمت راست بالای تصویر دیده می‌شود؛ اطراف او پوشیده از ابرهایی طلایی رنگ است؛ موجودی بالدار با لباسی به رنگ سبز، قرمز و زرد به تن و تاجی طلایی بر سر در مقابل او در حال پرواز است؛ بال‌های این موجود به رنگ زرد، قرمز و بنفش است.
- 4- در قسمت میانی تصویر موجودی بالدار با تاجی طلایی بر سر، درون امواج آبی به رنگ خاکستری دیده می‌شود. بال‌های گشوده او به رنگ قرمز، زرد و آبی است.
- 5- در جلوی تصویر در سمت چپ موجودی با بدنی انسانی و چهار سر دیده می‌شود؛ سر روبرو به صورت انسان و سفید است، سر سمت راست سر شیری طلایی رنگ است، سر سمت چپ سر گاوی سیاه رنگ است و یک سر نیز در پشت قرار دارد، که سر یک پرنده سفید رنگ است. این موجود لباسی یاسی و سبز رنگ بر تن دارد؛ و با دو دست خود به روبرو اشاره می‌کند.

ویژگی‌های حاملان عرش خداوند در متون اسلامی

یکی از باورهای مرتبط با صورت‌های فلکی منطقه البروج اعتقاد به وجود فرشتگان حمله‌العرش است؛ حاملان عرش خداوند در اسلام چهار فرشته ذکر شده‌اند: یکی به صورت آدمی که برای آدمیان دعا می‌کند، دوم به صورت گاوی که برای بهایم دعا می‌کند، سوم به صورت کرکس که برای مرغان دعا می‌کند و چهارم به صورت شیر که برای سیاح دعا می‌کند. و چون روز قیامت شود، چهار فرشته دیگر نیز به این‌ها اضافه می‌شود (یاحقی، 1375). به این هشت فرشته در قرآن کریم آیه 17 سوره‌ی الحاقه هم اشاره شده است: «عرش پروردگارت را در آن روز هشت فرشته بر سر خود برمی‌دارند». در آیه‌ی 7 سوره‌ی غافر نیز به این فرشتگان اشاره شده است: «کسانی که عرش خدا را حمل می‌کنند، و آن‌ها که پیرامون آنان هستند، به سپاس پروردگارشان تسبیح می‌گویند؛ و به او ایمان دارند؛ و برای کسانی که گروه‌اند، طلب آمرزش می‌کنند». علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار جلد 55 حدیث 26 درباره‌ی شکل حاملان عرش می‌نویسد: «چهار ملک حامل عرش الهی هستند، که در روز قیامت چهار ملک دیگر به آن‌ها اضافه می‌شود؛ یک ملک به تمثال انسانی، دیگری تمثال عقاب، دیگری به تمثال گاو و دیگری تمثال شیر دارد. که هرکدام از این چهار صورت یکی نماینده‌ی انسان، نماینده‌ی پرنده‌گان، نماینده‌ی چهارپایان و نماینده‌ی درندگان هستند» (مجلسی، 1364).

ابن عربی در کتاب فتوحات مکیه جلد دوم باب 13 می‌نویسد: «عرش که در زبان و عرف عرب گفته می‌شود مراد از آن ملک و سلطنت می‌باشد؛ و گاهی مراد از آن عرش تخت معمولی است؛ بنابراین چون عرش عبارت از ملک و سلطنت است، حاملان آن هم قائم بدانند؛ ولی اگر عرش عبارت از تخت معمولی باشد، حاملانش کسانی‌اند که تخت در قوام قائم به آنان است؛ و یا کسانی که آن را بر دوش حمل می‌کنند» (ابن عربی، 1381).

ابن عربی در ادامه می‌نویسد: «آن عرش که سریر و تخت است، خداوند را فرشتگانی است، که آن را بر دو ششان حمل می‌کنند». درباره‌ی صورت‌های این حاملان چهارگانه آن‌چه از خبر که آمده است، سخن ابن‌مسره از همه نزدیک‌تر است؛ گفته شده است: اولی به صورت انسان، دومی به صورت شیر، سومی به صورت کرکس و چهارمی به صورت گاو و این همان است، که سامری دیدش و پنداشت، که خدای موسی است، لذا آن را بر آن صورت برای قومش ساخت، و گفت: این همان خدای شما و خدای موسی است» (همان، 194).

دومین همایش بین المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

در کتاب خصال از امام صادق نقل شده است: «یکی از حاملان عرش به صورت آدم است، و از خدا به جهت فرزندان آدم طلب روزی می‌کند؛ یکی دیگر به صورت خروس است، و برای پرندگان طلب رزق می‌کند؛ سومی به شکل شیر است، و برای درندگان طلب روزی می‌کند؛ و چهارمی به شکل گاو است، و برای چهارپایان سوال روزی می‌کند. و از آن روزی که بنی‌اسرائیل گوساله پرستیدند، آن گاوی که حامل عرش است، سرافکنده شده و از شرم دیگر سر بلند نکرده است» (طباطبایی، ۱۳۸۰).

در کتاب عجایب المخلوقات قزوینی در شرحی پیرامون حاملان عرش آمده است: «حمله‌العرش فرشتگانی‌اند که حامل شریعت هستند؛ و صبح و شام به ایشان سلام کنند؛ و ایشان پروردگار را تسبیح گویند؛ و از بهر اهل ایمان استغفار کنند. و در خبر آمده که ایشان چهار فرشته‌اند یکی به صورت آدمی، دوم به صورت گاو، سوم به صورت نسر (مرغ) و چهارم به صورت شیر است. اکنون چهار فرشته هستند، و اعظم ایشان را نمی‌توان وصف کرد؛ و چون قیامت شود، چهار فرشته‌ی دیگر به ایشان اضافه می‌گردد؛ و آن ملک که به صورت انسان است، برای انسان‌ها دعا کند؛ و آن که به صورت گاو است، برای حیوانات و آن که به صورت مرغ است، برای مرغان و آن که به صورت شیر است، برای سباع» (قزوینی، ۱۳۹۲).

پیغمبر اسلام چون شعر امیربن‌ابی‌الصلت را بشنید، تعجب کردند، و فرمودند: در این بیت حاملان عرش را جمع کرده است؛ و شعر او این است: «رجل ثور تجد یمنی رجله النسر لیسری و لیث ثلثه» (کلانتری سرچشمه، ۱۳۸۸).

در حدیثی دیگر حضرت امام صادق (ع) درباره‌ی اعتقاد به عرش می‌فرمایند: «عرش حامل تمام خلق است، و از جهت دیگر عرش عبارت است از علم، اما عرشی که آن حامل تمام خلق است، آن را هشت نفر از فرشتگان حمل می‌کنند؛ و برای هر یک از آنان هشت چشم است، که هر چشمی به اندازه‌ی دنیا است؛ یکی از آنان به صورت آدمیان است، که خداوند تعالی به توسط او به فرزندان آدم روزی می‌دهد؛ دیگری به صورت گاو است، که خداوند به وسیله‌ی او روزی حیوانات را می‌دهد؛ و دیگری به صورت شیر است، خداوند به وسیله‌ی او به درندگان و ددان روزی می‌دهد؛ و آن دیگری به صورت خروس است، که خداوند به واسطه‌ی او به پرندگان روزی می‌دهد؛ آنان امروز چهارند و روز قیامت هشت تن می‌شوند» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۰). تصویر حاملان عرش در کتاب عجایب المخلوقات طوسی در شکل ۲ دیده می‌شود.

6



شکل ۲: حاملان عرش خداوند در کتاب عجایب‌المخلوقات طوسی (سایت ۱: بازیابی در ۱۵/۰۳/۹۵).



دومین همایش بین المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

توصیف تصویر

- 1- این تصویر صفحه ای از کتاب عجایب المخلوقات طوسی است.
- 2- در این تصویر دو سطح دیده می شود.
- 3- در سطح جلو و در گوشه های تصویر چهار موجود دیده می شود؛ که در اطراف یک دایره قرار گرفته اند؛ و آن دایره را حمل می کنند.
- 4- در گوشه ی سمت راست و بالا، تصویر یک انسان با سر گاو دیده می شود؛ صورت این موجود سیاه رنگ است؛ لباس زردی بر تن دارد؛ این موجود یک جفت بال گشوده به رنگ قرمز و آبی دارد.
- 5- در گوشه ی سمت چپ و بالا، تصویر یک انسان بال دار دیده می شود؛ این انسان لباس آبی و قرمز بر تن دارد؛ و یک جفت بال گشوده به رنگ زرد و بنفش دارد.
- 6- در گوشه ی سمت راست و پایین، تصویر موجودی با بدن یک انسان و سر پرند دیده می شود؛ صورت آن سفید رنگ است؛ لباسی به رنگ آبی و قرمز بر تن دارد؛ این موجود یک جفت بال گشوده به رنگ قرمز و سبز دارد.
- 7- در گوشه ی سمت چپ و پایین، تصویر موجودی با بدن یک انسان و سر شیر دیده می شود؛ صورت این موجود قهوه ای رنگ است؛ لباس آن به رنگ قرمز و سبز است؛ و یک جفت بال گشوده به رنگ بنفش و زرد دارد.
- 8- در قسمت وسط تصویر، یک دایره ی بزرگ دیده می شود؛ هشت دایره در درون آن دایره ی بزرگ قرار دارد؛ این دایره ها به صورت متحدالمرکز نیست؛ و به صورت پله ای بر روی هم قرار گرفته است؛ هر کدام از این دایره ها با رنگی نامگذاری شده است؛ داخلی ترین دایره سیاه رنگ است؛ در دایره های دیگر نام شش رنگ دیده می شود.

7

نجوم

منطقه البروج و صورت های فلکی آن

در نجوم کهن آنچه می گردید، خورشید بود، نه زمین و بر پایه ی همین باور مسیر حرکت خورشید به دور زمین بر روی مداری به نام دایره البروج تعیین می شد؛ در کنار این مدار تصور بر این بود، که حرکت ماه و دیگر ستارگان نیز در محدوده ی همین مدار به نام دایره خسوف و کسوف قرار داشت. برای اندازه گیری وقت، زمان، سال و روز بخشی از مسیر ستارگان و خورشید را منطقه البروج نامیدند؛ در تعریف منطقه البروج آمده است: «منطقه ای از کره ی آسمان را که دو قاعده اش موازی با دایره البروج و به فاصله ی هشت درجه در طرفین آن واقع اند، منطقه البروج گویند» (مصفی، 1366). منطقه البروج اساساً دوازده صورت فلکی است، که در دوازده بخش مساوی به نام برج، تعریف شده است؛ هر یک از این صورت های فلکی بر اساس خاستگاه فرهنگی آن ها با اشکال جانوری یا انسانی مرتبط دانسته شده اند؛ که با اسطوره ها و باورهای آن ها پیوند داشت. حرکت خورشید در منطقه البروج و تلاقی نقاطی از این حرکت در دایره البروج در چهار نقطه ی کاردینالی (اعتدالین و انقلابین) تبیین می شد؛ اما این حرکت همواره در صورت های فلکی ثابت صورت نمی گرفت، نقاط اعتدالین در هر 72 سال یک درجه تغییر حرکت دارد؛ و عبور آن ها از میان صورت فلکی تقریباً 2000 سال ادامه می یافت؛ و هر دوهزار سال نقاط اعتدالین و انقلابین در صورت فلکی دیگری قرار می گرفت. در جدول شماره ی 1 چهار صورت فلکی اصلی منطقه البروج در 4000 ق.م. مشاهده می شود.

دومین همایش بین المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

جدول 1: تصویر صورت های فلکی اصلی منطقه البروج در 4000 ق.م.:

نجوم ایران	تصویر
 (سایت 1 بازیابی در 95/03/15)	تصویر گاو بالدار
 (سایت 1 بازیابی در 95/01/15)	تصویر شیر بالدار
 (سایت 1 بازیابی در 95/01/15)	تصویر انسان بالدار
 (سایت 1 بازیابی در 95/01/15)	تصویر پرنده

چهار صورت فلکی اصلی منطقه البروج بازنمایی نجومی فرشته چهار سر و حاملان عرش خداوند

از نظر بازنمودی چهار نقش مورد نظر در نگارگری شباهت زیادی با بازنمودهای تصویری چهار صورت فلکی اصلی در چهار نقطه کاردینالی منطقه البروج در 4000 ق.م. دارد. به منظور مستندنگاری هرچه دقیق تر جهت روشن ساختن تأثیر باورهای نجومی مربوط به چهار نقطه کاردینالی حرکت خورشید و صورت های فلکی مرتبط با آن بر تصاویر و نقوش مربوط به فرشته چهار سر و















دومین همایش بین المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

حاملان عرش خداوند به تطبیق تصاویر نجومی و تصاویر موجود در نگاره‌ها بر اساس روش آیکونوگرافی واربورگ-پانوفسکی می‌پردازیم. مرحله دوم روش آیکونوگرافی یعنی تطبیق تصاویر نگاره‌ها با تصاویر و بازنمودهای نجومی صورت‌های فلکی منطقه البروج در چهار نقطه کاردینالی حرکت خورشید در 4000 ق.م. در جدول 2 اشاره شده است.

جدول 2: تطبیق تصاویر نجومی و تصاویر نگاره‌ها:

نام نقوش	فرشته چهارسر در معراج‌نامه‌ی میرحیدر	حاملان عرش در عجایب‌المخلوقات طوسی	نجوم
گاو بالدار			
شیر بالدار			
انسان بالدار			
پرنده			

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به تمامی نتایج بدست آمده از تحقیقات پیشین بر پایه‌ی نظریات قوی و مستدل محققان درباره این چهار نقش که به ارتباط آن با چهار صورت فلکی اصلی منطقه البروج اشاره شده است، محقق این مقاله این مسأله را در نگارگری بررسی کرده است؛ و به این نتیجه رسید، که فرشته‌ی چهار سر در کتاب معراج‌نامه‌ی میرحیدر و حاملان عرش خداوند در کتاب عجایب‌المخلوقات طوسی شباهت زیادی با چهار صورت فلکی اصلی منطقه البروج در 4000 ق.م. دارند؛ که در جدول 2 به آن اشاره شده است. و گویای تأثیرات باورهای نجومی در ارتباط با چهار صورت فلکی اصلی منطقه البروج در 4000 ق.م. به عنوان عالم کبیر بر تصاویر موجود در نگاره‌ها به عنوان عالم صغیر است.



دومین همایش بین المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

دانشگاه تهران - ۳۰ آذر ۹۶

منابع:

- ابن عربی، محیی الدین، 1381، فتوحات مکیه، تهران، انتشارات مولی.
- بارنت، سیلوان، 1391، راهنمای تحقیق و نگارش در هنر، تهران، سمت.
- سگای، ماری رز، 1385، معراج نامه سفر معجزه آسای پیامبر، ترجمه مهناز شایسته فر، تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی (مهناس).
- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم، 1380، اسرارالایات، مترجم محمد خواجهوی، تهران، مولی.
- طباطبایی، محمدحسین، بی تا، تفسیر المیزان، مترجم محمدباقر موسوی همدانی، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- قزوینی، زکریابن محمد، 1392، عجایب المخلوقات قزوینی در تصاویر چاپ سنگی میرزا علیقلی خویی، مترجم ارکیده ترابی، تهران، چاپ و نشر نظر.
- کلانتری سرچشمه، مسعود، 1388، نماد شناسی صورت فلکی منطقه البروج در هنر ایرانی-اسلامی، پایان نامه چاپ نشده کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر اصفهان، دانشکده ادیان و تمدن ها، رشته هنر اسلامی.
- مجلسی، محمد باقر، 1364 بحار الانوار، ترجمه موسی همدانی، تهران، نشرمحمد.
- محمدپور، احمد، 1392، روش تحقیق کیفی ضدروش، تهران، جامعه شناسان.
- مصفی، ابوالفضل، 1366، فرهنگ اصطلاحات نجومی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- نصر، حسین، 1342، نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت: خلاصه ای از آراء اخوان صفا، بیرونی و ابن سینا راجع به جهان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- یاحقی، محمدجعفر، 1375، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، تهران، سروش.

Gettings, F. (1987). The Secret Zodiac. New York: Routledge 8 Kegan Paul

<http://www.Pintrest.com>

سایت 1: